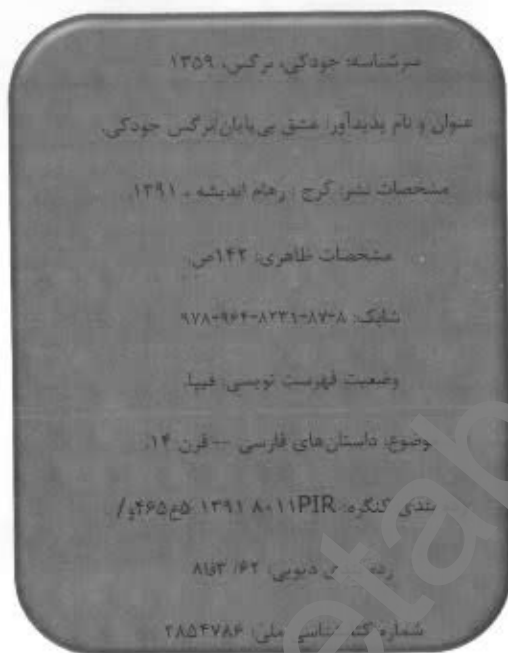


عشق بی پایان

نرگس خود کی



نشر رهام اندیشه



عشق بی پایان

نرگس جودکی

انتشارات رهام اندیشه

چاپ: معاصر / ۱۳۹۲ / ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

طرح جلد: مهدی حیدری

تلفن: ۰۲۶-۴۵۳۴۷۳۴۰ و ۰۹۱۲۶۶۰۹۷۲۶

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

پائیز بود، سنگ فرش‌های باغ با برگ‌های سرخ و آتشین درختان پوشیده شده بود. جلبک سطح استخر را پوشانده بود. باد پائیزی با سوزش کمی که داشت گونه‌هایم را نوازش می‌کرد، نگاهم به کلاغ‌هایی بود که آهنگ صدایشان سکوت باغ را برهم می‌زد، در دورترین شاخه‌ی درخت، لانه‌ای کوچک اما با عشق به دور از هر گونه ترس و برای حفظ جان خود ساخته بودند؛ قلبم فشرده و اشک از چشمانم سرازیر شد، به یاد روزهای خوب از دست رفته‌ام افتادم. به یاد روزی افتادم که امیر با نگاه مهربانش مرا عاشق خود کرد. امیر چشمان آبی رنگ و قد بلندی داشت که هر دختری با دیدن آن چهره شیفته‌اش می‌شد.

اواسط دهه‌ی ۶۰ بود. طبق معمول هر پنجشنبه، خانه‌ی ژیلای مهمانی بپا بود و من باید زود آماده رفتن می‌شدم، با وجود اینکه حضور نیما آزارم می‌داد، اما یک نیرویی مرا به رفتن به آن میهمانی راغب می‌کرد.

شب از راه رسید؛ میهمان‌ها یک به یک وارد منزل ژیلای می‌شدند. وارد سالن پذیرایی شدم، سالن شلوغ‌تر از هر پنج‌شنبه بود. میزها زیباتر و خوش سلیقه‌تر از هر بار تزئین شده بود، ژیلای طبق عادت ولخرجی زیادی کرده بود. او لبخند زنان به استقبال میهمان‌ها می‌رفت، وقتی از دور چشمش به من افتاد سریع به طرف من آمد و بعد از سلام و احوالپرسی با وسواس کامل، دوباره همان سوال‌های همیشگی در مورد ظاهرش را از من پرسید، من هم برای دلگرمی دو دستش را محکم فشردم.

- عزیزم نگران نباش مثل همیشه همه چی مرتبه.